

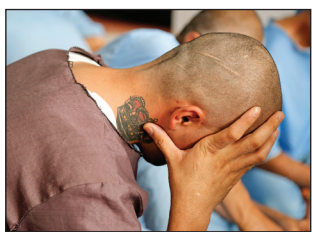
بررسی سلامت در وروده کمپ

مددجویان بعد از ورود به مرکز سروس چکاپ ظاهری و معاینه می شوند. از لحاظ وضعیت جسمی و بیماری و... بررسی و طبقه بندی می شوند. اگر مورد خاصی نداشته باشند پذیرش می شوند و اگر ناقل بیماری خاصی باشند با نظر قاضی پرونده به بیمارستان اعزام می شوند تا در آنجا مراحل درمانشان انجام شود.



پایش دائم مددجویان

بزشکانی که در مرکز سروس مستقر هستند مدام سلامت مددجویان را پایش می کنند. یکی از آنها می گوید: چون وضعیت بهداشتی زندگی شان ایده آل نبوده، اغلب زخم های باز دارند. زخم هایشان عفونی است. این افراد معمولاً مواد مخدر شیشه استفاده می کرده اند و اغلب زخم ها و بیماری های عفونی پوستی دارند. چون سطح بهداشتشان پایین بوده ناقل قارچ و... هم هستند.



ملاقات مجازی

روزهای یکشنبه زمان ملاقات مددجویان با خانواده هایشان است؛ اما خانواده برخی مددجویان امکان ملاقات حضوری ندارند به همین دلیل از ملاقات آنلاین استفاده می شود. در مرکز سروس با استفاده از امکاناتی که وجود دارد بخشی برای ملاقات آنلاین در نظر گرفته شده است که مددجویان با استفاده از این امکانات می توانند به صورت صوتی و تصویری با خانواده هایشان در ارتباط باشند. در زمان کرونا هم از این امکانات برای ملاقات استفاده زیادی شد.



تلاش در گلخانه

در گوشه ای از محوطه کمپ سروس گلخانه ای به وسعت ۲۰۰ مترمربع احداث شده که حدود ۲۰۰ نفر از مددجویان در آنجا مشغول کار و حرفه آموزی هستند. آنها در این گلخانه بعد از آموختن مهارت های لازم مدرک فنی و حرفه ای دریافت می کنند تا بعد از ترخیص بتوانند این کار را ادامه دهند. به طور هفتگی هم حدود ۵۰۰ کیلو خیار از گلخانه پر داشت می شود.



معنادران متجاهر

با اجرای طرحی توسط پلیس، وزارت کشور

وباهمکاری شهرداری به زندگی برمی گردند



بازگشت

شهری در دل بیابان

معروف است که مرکز سروس در کهریزک واقع شده اما واقعیت این است که این مرکز کیلومترها دورتر از کهریزک در بیابان های شور آباد واقع شده است. جایی که حتی در انتهای مسیر جاده درست و حسابی هم وجود ندارد و بعد از طی کردن مسیری ناهموار فقط سیم خاردارهای یک پادگان است که به چشم می خورد و حتی گوشی موبایل و اینترنت به خوبی کار نمی کند. آلودگی های صنعتی کارخانجات جنوب شهر آنجا را به منطقه ای تقریباً خالی از سکنه تبدیل کرده و به ندرت می توان کارخانجات از رونق افتاده و انبارهای خالی را دید.

انتهای این جاده خاکی پادگان بزرگی واقع شده که مرکز سروس در دل این پادگان واقع شده است. وقتی که از در دژیانی پادگان عبور کنید تازه اول مسیر رسیدن به کمپ سروس است. با ماشین حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه ای را باید طی کرد تا به ورودی سروس رسید. این منطقه آنقدر از شهر دور است که گلدسته های مرقد امام (ره) و سردر بهشت زهرا (س) به سختی دیده می شود. با عبور از در ورودی کمپ سروس اما یکباره انگار از بیابانی خشک و خشن به آبادی سرسبز رسیده ایم. اینجا شهری در دل بیابان است.

در سروس چه می گذرد؟

مرکز سروس ساختمان های مختلفی دارد و در زمین نسبتاً وسیعی واقع شده است؛ ساختمان هایی که هر یک کاربری خاص خود را دارد. در میان صدها مددجو که زمانی هر کدام معنادران متجاهر بوده اند از جوانی حضور دارد که همه کارها به او ختم می شود. زهره حسین جانی، مدیر واحد مددکاری مرکز سروس است. در آنجا همه به خوبی او را می شناسند. او نیز تک تک مددجویان را با وضعیتی که داشتند و شرایطی که حالا دارند



مهم ترین دلایل اعتیاد جوانان

اما چه عواملی باعث می شود تا افراد به سوی اعتیاد سوق پیدا کنند؟ حسین جانی می گوید: جوانانی که اینجا هستند اغلب شکست های عاطفی خورده اند یا دوست های ناب داشته اند یا بر اثر کنجکاوی شروع به مصرف مواد مخدر کرده اند. اگر هم کارتن خواب باشند و با خانواده هایشان ارتباط نداشته و طرد شده باشند هم تلاش می کنیم تا با خانواده هایشان ارتباط بگیریم و از آنها دعوت می کنیم که به مرکز بیایند. اما در شهر چند میلیون نفری تهران که متأسفانه افراد زیادی در دام اعتیاد گرفتار شده اند، این کمپ می تواند پذیرای چند نفر از معنادران باشد؟ مدبر واحد مددکاری می گوید: ظرفیت پذیرش ما حدود ۴۰۰ نفر است و افراد براساس ماده ۱۶، بین ۱۳ تا ۶ماه نگهداری و بازپروری می شوند.

به مسیر درست زندگی برگشتیم

وحید، ۳۹سال دارد و ۲ماه و نیم است که در مرکز سروس حضور دارد. او که سابق در بازار تولیدکننده پیراهن مردانه بود زندگی اش را بر اثر اعتیاد از دست داد اما حالا مدتی است که بهبود یافته و می گوید می خواهد به مسیر درست زندگی برگردد. او می گوید: حدود ۱۲سال معنادر بودم. شروعش از بچگی بود. حدود ۱۲، ۱۳سالگی با مواد آشنا شدم و ادامه دادم. وقتی هم که صاحب کار شدم هم مکان داشتم و هم پول. راحت تر مصرف می کردم و اعتیادم ادامه پیدا کرد. او درباره اینکه چطور پایش به مرکز سروس باز شد می گوید: من را در محله مان بازداشت کردند و به اینجا آوردند. اول ناراحت بودم که چرا بازداشتم کرده اند. اما حالا خوشحالم که در اینجا ترک کرده ام و حالا هم که کار می کنیم و وقت مان می گذرد. من بارها ترک کردم. عمال و عمام جلسات آن ای می رفتم. هر هفته به جلسات می رفتم اما عمام که به این جلسه ها نرفتم دوباره مواد مصرف کردم و معتاد شدم. او درباره شرایط مرکز سروس می گوید: روزهای اولی که به اینجا آمدم فهمیدم که اینجا با کمپ های دیگر فرق می کند. چون در اینجا مراقب هستیم. ۱۵ روز گذشت تا اینکه در کارگاه ها مشغول به کار شدیم. اینجا هم وقتی می گذرد و هم حقوق می گیریم.

اما وحید و بقیه مددجویان با درد جسمانی هنگام ترک چطور کنار می آیند؟ او می گوید: اتفاقاً چون مواد مصرف نمی کنم خیلی خوشحالم. مادر اینجا هم کار یاد

مردی که با همسرش معتاد هر دو بین شدند

یکی دیگر از مددجویان کمپ سروس پسر جوان و محجوبی است که خیلی مودب و شمرده شمرده صحبت می کند. او احمد رضا - - ۳۰ساله - نام دارد و می گوید زمانی مدرس زبان بوده اما اعتیاد کارش را به اینجا کشانده است. او می گوید: اول به گل اعتیاد پیدا کردم و در نهایت هروئین مصرف می کردم و حدود ۳سال معتاد بودم. او اهی می کند و درباره گذشته اش می گوید: من لیسانس دارم. مدرس زبان انگلیسی بودم. وقتی مواد را با همسر شروع کردم و هر دو معتاد شدیم. همسر من متولد ۷۲ و من متولد ۷۲ هستم. حالا همسر من کمپ است. آنقدر شرایط مان سخت شد که کار به اینجا کشیده شد. او وقتی به روزهای که تازه مصرف مواد مخدر را شروع کرده بود فکر می کند فقط آه و آفسوس برایش باقی می ماند و می گوید: شاید خوشی زیر دلمان زده بود. شرایط زندگی مان خوب بود. درآمد خوبی داشتم. اما از وقتی که شروع کردم این اواخر روزی چند گرم هروئین مصرف می کردم و باید برای هر گرم هم چندصد هزار تومان خرج کرد. توی فکر مان بود که باید ترک کنیم اما نمی دانستیم که باید چه کار و

تبدیل کارتن خواب ها به افراد ماهر

مددجویان در مرکز سروس علاوه بر اینکه سلامتی شان را به دست می آورند، مهارتی هم فرا می گیرند تا بعد از خروج از آنجا بتوانند شغلی داشته باشند. حسین جانی در این باره می گوید: در بدو ورود به مرکز مدد، مددجویان استعدادیابی می شوند تا مشخص شود که چه علائقی دارند یا چه حرفه ای داشته اند و براساس آن در کارگاه های مختلف مثل آهنگری، خیاطی، نجاری، کار در منزل، گلخانه و... مشغول می شوند. افرادی هم که حرفه خاصی ندارند در اینجا مشغول به کار می شوند و شروع به یادگیری و مهارت آموزی می کنند و به آنها مدرک فنی و حرفه ای داده می شود. اما این مرکز تاکنون چقدر در رسیدن به اهدافش موفق عمل کرده و چند درصد از مددجویانی که از آنجا خارج می شوند دیگر به سوی اعتیاد نمی روند و زندگی سالمی را آغاز می کنند؟ او می گوید: وقتی مددجویان از اینجا خارج می شوند، صد درصد پاک هستند اما اینکه بهبودی شان ادامه دار باشد معلوم نیست. معمولاً افرادی که مرتبه اول شان است بیشتر متنبه می شوند و سمت مواد مخدر نمی روند اما در کل زندگی سالم یا خود فر داشت. او می تواند انتخاب کند که زندگی سالمی داشته باشد یا دوباره گرفتار مواد مخدر شود. خانواده های مددجویان می توانند از طریق سایت مرکز سروس به نشانی: markasorosh.ir با ما در ارتباط باشند.



دست در دست یکدیگر علیه اعتیاد

سرهنگ حسین باباپور

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران



وظیفه پلیس ذاتاً در بحث مقابله است اما با توجه به نیازی که در جامعه وجود دارد در سایر حوزه ها نیز برنامه ریزی هایی انجام شده است. در سال ۱۳۹۷ بهره گیری از منویات مقام معظم رهبری در جلسه ای که برخی از مسئولان به محضر شان شرفیاب شده بودند از ظرفیت های پلیس استفاده شد و با تغییر کاربری بازداشتگاه، این مرکز به محل نگهداری و بازپروری معنادران متجاهر تبدیل شد و با تلاش های انجام شده روز بروز پویاتر می شود. ظرفیت اولیه این مرکز حدود ۱۰۰ نفر بود و در حال حاضر به ظرفیت بیش از ۴۰۰ نفر رسیده و قرار است در آینده نزدیک این ظرفیت به ۲ هزار نفر افزایش پیدا کند. در این مرکز خدمات خوبی ارائه می شود. معنادران متجاهر به طور همدغد شناسایی و پس از غربالگری به این مرکز منتقل می شوند. در مرکز سروس این افراد تفکیک سنی می شوند و موقعیتی که در آن قرار دارند سنجیده می شود و بیماری هایشان بررسی می شود و پس از پالایش اولیه متناسب با وضعیت شان پس از دوره سسزدایی اقدامات تکمیلی انجام می شود. یکی از این اقدامات برگزاری کلاس های مهارت رفتاری و زندگی است. این موضوع خیلی برای این مددجویان اهمیت دارد. اغلب این افسراد با توجه به اقدامات انجام شده برای نجات از اعتیاد تلاش می کنند. در کنار این موضوع کلاس های سواد آموزشی، حرفه آموزی، برنامه های اشتغال زایی و توانمندسازی مددجویان را داریم که پس از ترخیص بتوانند به جامعه برگردند و با اجتماعی شوند. مادر این باره نمونه های موفق داریم. معنادران متجاهری که در مرکز سروس به مددجو تبدیل شدند و بعد از آن اعتیاد چندین ساله به گوش خانواده بازگشت و حتی در این مرکز مشغول به کار شد. باید به طور صمیمانه از معنادران در این مراکز نگهداری تشکر کنیم که در بحث معنادران متجاهر بسیار کمک حال ما هستند و تلاش می کنند. شهرداری هم مراکز را برای جمع آوری و بازپروری معنادران متجاهر راه اندازی کرده است و بخشی از معنادران در این مراکز نگهداری می شوند. در این مراکز حتی معنادران بیمار یا حتی افرادی با زخم های باز هم نگهداری می شوند که تلاش های شهرداری جای تقدیر و تشکر دارد. هدف ما ایجاد فضای امن و آرامش برای شهروندان است.

محمد جعفری، روزنامه نگار:

کهریزک محل قرار گرفتن یکی از بازداشتگاه های تهران بود که به دلیل حوادثی رسال هپیش به دستور مقام معظم رهبری تعطیل و تغییر کاربری داده شد. حالا اما بازداشتگاه سابق با اجرای طرحی حساب شده به کمپ نگهداری و بازپروری معنادران متجاهر پایتخت تبدیل شده است. براساس این طرح، معنادران متجاهری که از سطح شهر جمع آوری می شوند بعد از بازپروری حرفه آموزی می کنند و با فراگیری مهارت های شغلی و در سلامت کامل به زندگی برمی گردند. در این گزارش به معرفی بخش های مختلف این کمپ که به مرکز بازپروری سروس معروف است، پرداخته ایم.